

**AZADEH RAZAGHDOOST**  
**VERONICA**

**AZADEH RAZAGHDOOST**

VERONICA

2022-2024



[یک]

ورونيکا يک تصویر جادویی است.

[دو]

تصویر در جادو يک «بدن جایگزین» است. بدن جایگزین می‌تواند شبیه یا تقلید چیزی نباشد. بدن جایگزین تنها نماینده‌ی یک امر غایب است و آن را حاضر می‌سازد. پرده‌ی ورونيکا در غرب مسیحی بدن جایگزین مسیح است و مشروعیتی الاهیاتی دارد. در روایات مذهبی آمده است که پرده‌ی ورونيکا بر ساخته‌ی زنی است که تکه پارچه‌ای را در راه جلتا به مسیح بخشید تا زخم‌هایش را پاک کند. انجیل‌نگاران از آن زن که به قدیسه ورونيکا مشهور است، نامی نبرده‌اند. ورونيکا به معنای vera icon یا تصویر حقیقی است. به رغم سکوت انجیل، حکایت قدیسه ورونيکا و پرده‌ی ورونيکا با رهایه و بارها در متون بعدی نقل شده است. انگارکه ورونيکا هم یک فرد است و هم يک تصویر.

پرده‌ی ورونيکا با دستان انسان ساخته نشده است، حاصل لمس یک تکه پارچه و چهره‌ی عیسی مسیح است. این پرده حک شدن ردهایی است از چهره بر سطحی دیگر. همانند پروانه‌ها یا گل‌های خشک شده که بدل به تصویر شده‌اند، بی‌آن‌که دستان انسان دخالتی در شکل بخشیدن به آن‌ها داشته باشد. نخستین پرده‌ی ورونيکا یک نقاشی نبود بلکه تصویر بر ساختی خود مسیح بود یا به تعبیری دیگر تصویر حقیقی.

فانتزی تصویر حقیقی هیچ‌گاه دست از سری‌بشار نداشته است، به ویژه در بازنمایی امر قدسی. تصویر حقیقی با توانایی‌های معمول انسان هیچ‌گاه به دست نمی‌آید. هر تلاشی برای جست‌وجوی تصویر حقیقی ناگزیر است به تسلیم جستن به قلمروهایی دیگر. به ماوراء الطیعه، به جادو، به الاهیات و... .

[سه]

ماجرای پرده‌ی ورونيکا را صرفاً نباید به روایت مسیحی آن تقلیل داد، هرچند که روایتی است غالب. این ماجرا در باب تصویر بودا هم نقل شده است که نخستین شبیه نگار بودا جز نور در چهره‌ی او ندید و ناتوان از بازنمایی. باقی ماجرا نیز مشابه روایت مسیحی است که بودا پارچه‌ای مطالبه می‌کند و چهره‌ی خود را بر سطحی دیگر فراماگفکند. در این روایت نیز دستان نقاش دخل و تصرفی در چهره‌نگاری فرد مقدس ندارند. این تصویر نیز جادویی است و نه برآمده از کنش نقاشانه.

در روایت‌های مسیحی و بودایی از تصویر حقیقی، با تقلیل انسان به چهره‌ی وی مواجه‌ایم، گویی که چهره‌مندی ویژگی اصلی تصویر انسان است و بدن نقشی فرعی در بازنمایی انسان دارد. دلیل تقدم چهره بر بدن چیست؟ شباهت و منحصر به فرد بودن چهره است یا پای دلیل دیگری در میان است؟ هر مسئله‌ی دیگری که در میان باشد، نمی‌توان رابطه‌ی شباهت و چهره را نادیده گرفت. فانتزی تصویر حقیقی بر این مبنای شکل گرفته است.

شباهت در تصویر حقیقی به معنای شباهت ظاهری نیست، همچنان‌که در پرده‌ی ورونيکا نیز چنین نیست. شباهت در تصویر حقیقی همان ردهایی از الگوی اولیه است که بر سطح تصویر حک شده است. این ردها تقلیدی نیستند، آن‌ها از سطحی دیگر به سطح تصویر سرایت کرده‌اند. مستقیماً و بدون وساطت و دخالت. به تعبیری چهره‌ی حک شده بر پرده‌ی ورونيکا، شباهتی ظاهری با الگوی

خود ندارد و شباهتش با الگوی اولیه‌اش وجهی نمایه‌ای دارد: یعنی اجزایی از یک کل بر سطح تصویر فرافکنده شده است.

چهره در فرایند حک شدن ردها یا فرافکنی به یک ماسک بدل می‌شود. پرده‌ی ورونیکا ماسکی است از چهره‌ی انسانی عیسی مسیح که ماهیت الوهی آن را پنهان می‌سازد.

## [چهار]

پرده‌های ورونیکای آزاده رزاق دوست تکرار ابژه‌ای واحدند: گل سرخ در نگاه اول و اندامی زنانه در نگاه بعدی و چیزهای دیگر. این ابژه‌ی تکرار شونده در هر نقاشی هیئتی متفاوت یافته و دچار دگردیسی شده است. ظاهراً این ابژه موضوع اصلی نیست و تمرکز بر آن توقف بر شباهتی است ظاهري. همان‌گونه که در پرده‌ی ورونیکا شباهت ظاهري چهره مدنظر نیست و چهره به ماسک بدل شده است، گل‌های سرخ این مجموعه را نیز می‌توان رها از شباهت ظاهري خواند. آن‌ها ماسک‌هایی هستند برای گوشت و خون. ماسک‌هایی که واقعیت در پس ظاهر چهره را آشکار می‌کنند و زنده بودن را نشان می‌دهند.

رده‌هایی از چهره که بر پرده‌ای یا تکه پارچه‌ای حک شده‌اند، به پرده‌هایی خونین بدل می‌شوند که شکلی شبیه یک گل یا اندامی زنانه را می‌سازند. همه‌ی آن‌ها ورونیکا یا تلاش برای بازنمایی تصویر حقیقی است. تصویری ناممکن و با خصلتی پارادوکس گونه. چراکه هر تصویری براساس الگویی پدید می‌آید و در عین حال می‌خواهد که حقیقی باشد و نه رونوشتی از آن. هر چند که پرده‌ی ورونیکا دخالت نقاش را حذف کرد، اما همچنان رونوشتی بود از چهره‌ای مقدس.

پرده‌های آزاده چنین ادعایی ندارند و با دخالت مستقیم و لمس دستان نقاش جسم یافته‌اند. آن‌ها محصول از آن خودسازی نقاشی معاصر از سنت تصویری مسیحی یا دیگری فرهنگی هستند. معنای الاهیاتی ورونیکا در آن‌ها به معنایی اجتماعی بدل شده است. هریک از این تابلوها برای من چهره‌ی زنی است که با خون ترسیم شده است. در این تصاویر خون از معنایی بیولوژیک در چرخه‌ی زیستی زنان به تصویر حقیقی زنان بدل شده است. همان‌گونه که پرده‌ی ورونیکا برآمده از لمس کردن سطحی دیگر است، این تابلوها نیز کنار هم قرار دادن سطوحی است که خون را لمس کرده‌اند. هم به معنایی حقیقی و هم به معنایی استعاری که «تاریخ ماست».

## [پنج]

گئورگ زیمل در جستار «معنای استتیکی چهره» براین باور است که چهره در مقام کشف حجاب از روح است و نمی‌توان چهره را به یک اندام تقلیل داد. از این منظر هریک از دیگر اندام‌های انسان که دارای کارکرد به حجاب درآوردن روح و کشف حجاب از آن باشند، می‌توانند در جایگاه چهره قرار گیرند. در این مجموعه همنشینی پرده‌های خونین کشف حجاب از چهره‌ای است جمعی. هر کدام پرتره‌ای است که می‌تواند به هر کس تعلق داشته باشد (ماسک)، چراکه نقاش شباهت‌های ظاهري چهره را حذف کرده است و پرده‌های خونین را جایگزین آن ساخته است. دیدن آن‌ها برایم یادآور شعری بود از بیژن الهی:

«دلوی که از ته زخم بالا می‌آمد، تمدن ما بود.»





**Untitled, From Veronica** Serirs 2022, Oil on Canvas, 150x150 cm



**Untitled, From Veronica** Serirs 2022, Oil on Canvas, 150x150 cm



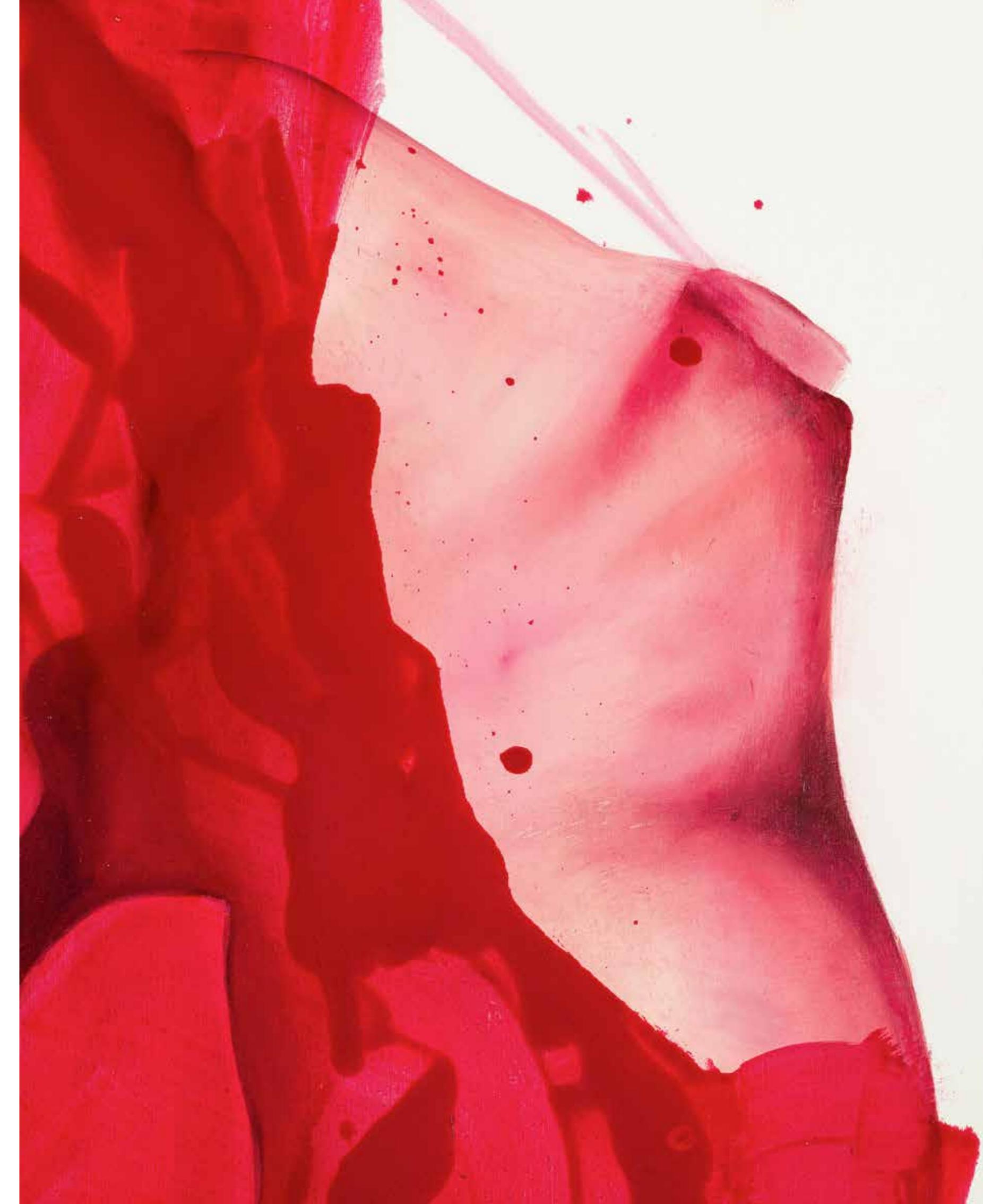
**Untitled, From Veronica** Series 2024, Oil on Canvas, 270x270 cm



**Untitled, From Veronica** Series 2023, Oil on Canvas, 300x300 cm



**Untitled, From Veronica** Series 2022, Oil on Canvas, 150x150 cm





**Untitled, From Veronica** Series 2023, Oil on Canvas, 150x150 cm



**Untitled, From Veronica** Series 2023, Oil on Canvas, 150x150 cm



**Untitled, From Veronica** Series 2023, Oil on Canvas, 300x300 cm

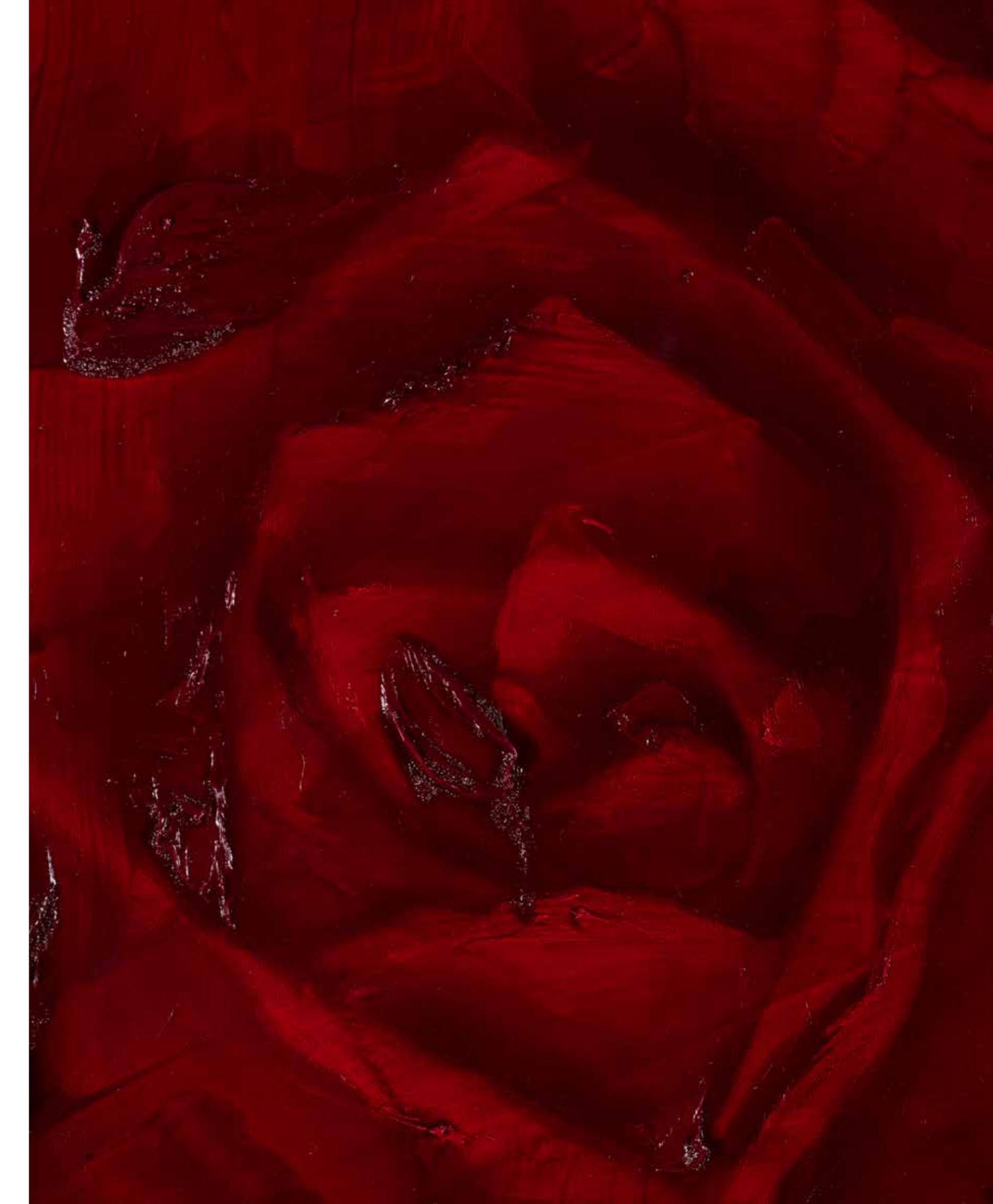




**Untitled, From Veronica** Series 2024, Oil on Canvas, 270x270 cm



**Untitled, From Veronica** Serirs 2024, Oil on Canvas, 180x180 cm





**Untitled, From Veronica** Serirs 2024, Oil on Canvas, 175x175 cm



**Untitled, From Veronica** Serirs 2023, Oil on Canvas, 50x50 cm



**Untitled,From Veronica** Serirs 2022, Oil on Canvas, 60x60 cm



**Untitled,From Veronica** Serirs 2022, Oil on Canvas, 65x50 cm ▲

**Untitled,From Veronica** Serirs 2022, Oil on Canvas, 50x50 cm <

**Untitled,From Veronica** Serirs 2022, Oil on Canvas, 50x50 cm <

## Depth of the Wound | Amir Nasri

### [One]

Veronica is a magical image.

### [Two]

The magic is lodged in a “substitute body.” The substitute body need not be a likeness or a simulacrum of anything in particular. It stands for an absence which it summons to presence. The Veronica painting in the Christian West is the substitute body of Jesus. It has divine legitimacy. In religious lore the Veil of Veronica is attributed to a female saint who met Jesus on his way to Calvary and offered her veil to clean his bruises with. There is no mention of the woman’s name in canonical Gospels, but later, apocryphal, texts do mention Veronica, or Saint Veronica. Some have suggested that Veronica was in fact vera icon (“true image”), alluding to Jesus. It is as if Veronica is both a person and an image.

The Veil of Veronica was an acheiropoieton – an object made not by a human hand. The image of the face of Jesus is transferred to the veil when his face comes into contact with it, much like the image of a butterfly or a flower pressed between pages of a book and in whose appearance no human has had a hand. As such, the Veil of Veronica was not a painting but an image of the face of Jesus himself – a “true image.”

The dream of a true image has always been with humans, especially in marking sacred events. A true image is never arrived at through normal human agency. Every attempt to occasion a true image is forced to look for it in other domains – metaphysics, magic, divinity, etc.

### [Three]

The story of an unmediated image like the Veil of Veronica is not limited to Christian accounts, although it is the narrative most in circulation. The first painter who attempted to capture the face of the Buddha could see nothing but light and failed to come up with a representation. The rest of the story is analogous to the Christian: The Buddha asks for a piece of cloth and his face transferred onto it. In this version, too, the painter doesn’t interfere with the act of creating the image.

In such accounts of true image, there is a reduction of a human figure to his/her visage, as if faciality is a human visual peculiarity and the body has a subordinate role in representing an individual. What’s the reason for this prioritization of the face? Is it its uniqueness? Are there other reasons at work? Whatever it may be, we cannot dismiss the relationship between similitude and faciality. The dream of the true image lies there.

In true image, similitude doesn’t mean an exactness of the appearance, nor is this the case in the Veil of Veronica. In a true image, similitude is constituted by prototypical traces etched on the surface of the image. These traces are not arrived at through mimesis, they are transferred from one surface to another (that of the image) directly, without an intermediary. In other words, the face etched on the Veil of Veronica is not similar to the pattern formed; rather, its similarity to what it represents is indexical: components are projected from a totality to the surface of the image.

In the process of etching or projection, the face becomes a mask. The Veil of Veronica is a mask of the human face of Jesus that hides its divine nature.

### [Four]

Veronica of Azadeh Razzaghdoost are depictions of a single subject: a red rose at first sight, the feminine body and its associated determinants beyond that. With every painting, this singular subject acquires a different appearance and incarnation. The appearance of this subject is not the main subject matter and to focus on appearance is to stop at similitude. In the Veil of Veronica, too, similitude of the face is not the intention – the face has turned into a mask. The red roses of this series can also be seen free from similitude. They are masks that cover flesh and blood, masks that reveal a reality behind an appearance and point to life situations.

Traces of a face etched on a piece of cloth turn into canvases dripping with blood. They acquire the form of a flower or feminine body. Canvases are all Veronicas or attempts at representing a true image, an impossible one with paradoxical characteristics, for every image is formed by a pattern that at the same time strives to be true and not a facsimile of the real thing, but it is nevertheless a facsimile.

Veronicas of Azadeh Razzaghdoost make no claim to sacredness; these paintings are made by the artist herself. They are the outcome of an appropriation of contemporary painting practices and image-making in the Christian tradition. “The Divine” in the Veil of Veronica has acquired a social meaning here. Each one of these paintings is

the face of a woman drawn by blood. Blood in these images goes beyond a female biological characteristic to become a true image. In the same way that the Veil of Veronica was the outcome of a contact with another surface, these paintings come about by contacting blood, both on a real and metaphorical level.

### [Five]

In «The Aesthetic Significance of the Face» Georg Simmel argues that the face uncovers the soul and cannot be reduced to a body part. From this point of view, any other body part that can cover or uncover the soul is also a faciality.

In this series, the coexistence of blood-drenched canvases uncovers a collective face. Each is a portrait that can belong to any person (persona), because the painter has eliminated the apparent similarity of faces and replaced them with blood-drenched canvases. Seeing them reminds me of this line of poetry by Bizhan Elahi:

“The bucket that came up from the depth of the wound was our civilization.”

Sohrab Mahdavi

## TIME LINE

**1979** Born Tehran, Iran

## Education

**2002** BA Painting, University of Art, Tehran

**1997** Diploma in Painting, Academy of Fine Arts, Tehran

## Selected Solo Exhibitions

**2024** "Veronica", Iranshahr Art Gallery, Tehran, Iran

**2019** "Selected Works", Shirin Art Gallery, Tehran, Iran

**2016** "Recipe for a Poem", Sophia Contemporary Gallery, London, UK

**2013** "The Shadows of Eden", Assar Art Gallery, Tehran, Iran

**2011** "Letters.2", Assar Art Gallery, Tehran, Iran

**2010** "Letters.1", AB Gallery, Zurich, Switzerland

**2007** "Les Fleurs Du Mal.2", Assar Art Gallery, Tehran, Iran

**2006** "Les Fleurs Du Mal.1", Golestan Gallery, Tehran, Iran

**2002** "Figurative in Disguise", Atbin Gallery, Tehran, Iran

## Selected Group Exhibitions

**2023** "Stork & Snow", O Art Gallery, Tehran, Iran

**2021** "Basket Gose Persian", Nicolas Flamel Gallery, Paris, France

**2020** "Resilience", Shirin Art Gallery, Tehran, Iran

**2019** "Silk Print", Hoor Art Gallery, Tehran, Iran

**2018** "Teer Art", Ava Center, Tehran, Iran

**2017** Mellat Art Gallery, Tehran, Iran

**2015** KANSZUGHAUS Museum, Zurich, Switzerland

**2014** "Abstraction & Expression", Mellat Gallery, Pardis Cinema Complex, Tehran, Iran

**2013** "Nature", Grand Hotel National Lucerne, Lucerne, Switzerland

**2012** "Alternative View, Three Generations of Iranian Women Artists", Pardis Mellat Art Gallery, Tehran, Iran

**2010** "Silent Position", Art Road Gallery, Hokkaido, Japan

**2010** "Across Borders 3", Nero Gallery, Wiesbaden, Germany

**2010** AB Gallery, Lucerne, Switzerland

**2010** "Silent Position", Velada St. Lucia, Maracaibo, Venezuela

**2009** "Across Borders 2", Radical Gallery, Zug, Switzerland

**2009** "Writing Art 2", Janine Rubeiz Gallery, Beirut, Lebanon

**2009** "Masques of Shahrazad", Candlestar Gallery, London, UK

**2008** "Writing Art 1", Dar Al-Funoon Gallery, Kuwait

**2008** "Across Borders 1", Radical Gallery, Zug, Switzerland

**2008** "Hope", Focus Gallery, Dubai, UAE

**2008** Mall Galleries, London, UK

**2008** "Abdollah House", Dar Al-Funoon Gallery, Kuwait

**2006** "Fourth Painting Biennale of World of Islam", Saba Cultural Centre, Tehran, Iran

**2005** "The Members of Badaneh Group", Day Gallery, Tehran, Iran

**2004** "Third Painting Biennale of World of Islam", Saba Cultural Centre, Tehran, Iran

**2000** Fereshteh Gallery, with Fereydoon Mambeigi, Tehran, Iran

## Public Collections

The Vallpalou Foundation, Lleida, Spain Privat collection of Mr Velladimir Tesarenko

## Art Fairs

**2018** Abu Dhabi Art, Abu Dhabi, UAE

**2017** Beirut Art Fair, Beirut,

**2017** Contemporary Istanbul, Istanbul, Turkey

**2017** Art Stage Singapore, Singapore

**2017** Dallas Art Fair, Dallas, United States

**2012** Art Fair Köln, Köln, Germany

**2011** Abu Dhabi Art, Abu Dhabi, UAE

**2011** Contemporary Istanbul, Istanbul, Turkey

**2011** Cunts Zurich, Zurich, Switzerland

**2011** Munich Contempo, Munich, Germany

**2011** Art Dubai, Dubai, UAE

**2010** Art Dubai, Dubai, UAE

**2008** Art Dubai, Dubai, UAE

**AZADEH RAZAGHDOOST**

**VERONICA**

2024 - 2022

All Works © **Azadeh Razaghdoost**

[www.azadehrazaghdoost.com](http://www.azadehrazaghdoost.com)

Text © **Amir Nasri, 2024**

Published © **Artist**

Designed by

**Ali Motamedian**

Photo by

**Erfan Safari**

Translated by

**Sohrab Mahdavi**

Printed by

**Contemporary Art Publication**

All right reserved by Artist, 2024



CONTEM-  
PORARY  
ART  
PUBLI-  
CATIONS  
LAJEVARDI FOUNDATION

